

مقدمه

امام خمینی علیه السلام شخصیت تاریخ ساز و از دانشوران برجسته اسلام و ایران و مدیر کلان راهبردی جامعه اسلامی و ولی امر مسلمانان در قرن چهاردهم هجری است. اهمیت و برجستگی وی، به جامعیت در شخصیت و جامعیت در علوم گوناگون و فراوانی آثار منحصر نمی شود، بلکه وی اندیشمندی نوپرداز، نظریه پرداز، مصلحی بزرگ، احیاگری پُر توان، و ولایتمداری غیرتمند است که ابعاد اخلاقی، تربیتی، فقهی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد و امت اسلامی را با اسلام جامع نگر آشنا ساخت. تعهد و پایبندی دینی، وارستگی اخلاقی، شوریدگی عرفانی، حُسن سلیقه، طبع لطیف و لطف قریحه، از درخشش های دیگر خورشید وجود اوست.

فرازمندی و فروزندگی اندیشه های امام خمینی علیه السلام از جهات گوناگون است: نخست، اینکه وی با بهره گیری از آموزه های غنی، جامع، کامل و نظام مند اسلام، اندیشه خود را نظام مند و منظومه وار، مبتنی بر بنیان هایی فکری، با محوریت توحید و معرفه الله، و ناظر به نیازهای ثابت و متغیر فرد و جامعه ارائه داد؛ دوم، اینکه منظومه اندیشه توحیدی امام خمینی علیه السلام تنها به این سمت و سوییست که اندیشه و باور افراد و مدیران جامعه را بارور سازد، بلکه بر آن است تا در مجموعه جامعه و تاریخ اسلامی سریان یابد و امت اسلامی را به سوی پیشرفت و احیای تمدن اسلامی پیش برد؛ سوم، اینکه مهم ترین بخش منظومه فکری امام خمینی علیه السلام نظام تربیتی، عرفانی و اخلاقی اوست که بر بخش های دیگر نظام فکری ایشان تأثیر جدی داشته است. در نظر امام خمینی علیه السلام بزرگ ترین مقصد پیامبران، تزکیه و تهذیب و تعلیم انسان و فراهم ساختن زمینه های پرورش روح و حرکت تکاملی او به سوی خدای متعال و رساندن او به مقام بندگی است.

نگاه امام خمینی به تربیت نظام‌مند است و می‌توان با استفاده از آثار وی، اندیشه تربیتی او را در ساحت‌های گوناگون تربیت، به عنوان نظامی تربیتی به دست داد و عناصر اصلی نظام تربیتی را که شامل مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و... هستند بررسی کرد.

ضرورت پژوهش

شناخت اندیشه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام و نیز آگاه شدن از منش تربیتی ایشان به منظور استنباط و ارتقای تعلیم و تربیت اسلامی و دستیابی به دیدگاه‌های جامع، عمیق، ابداعی و نظام‌مند تربیتی، و نیز برای تربیت جامعه کنونی و نسل جدیدی که تشنه تربیت معنوی، عرفانی و اخلاقی است، اهمیت بسیار دارد.

مهم‌ترین جهات ضرورت و اهمیت بازشناسی مکتب تربیتی امام خمینی عبارت‌اند از:

۱. امام خمینی علیه السلام دانشمند بزرگ و فقیه نامدار جهان اسلام و پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و آرا و افکار و مکتب تربیتی او متأثر از معارف بنیادین دینی و متون اصلی دین است و بی‌تردید بازشناسی و تحقیق و پژوهش در اندیشه و منش تربیتی او می‌تواند صاحب‌نظران و محققان را در زمینه تربیت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اصلی این دین یاری رساند.

۲. جامع بودن شخصیت امام خمینی علیه السلام به‌ویژه بعد اخلاقی عرفانی تربیتی وی نیز تحقیق و پژوهش و بازشناسی مکتب تربیتی ایشان را ضروری می‌سازد. چنان‌که پیش از این اشاره شد، ایشان افزون بر احاطه علمی در عرصه‌های معرفتی فقه، اصول، حدیث، تفسیر، فلسفه، عرفان، اخلاق و تربیت، در مسائل اجتماعی و سیاسی و حکومتی نیز به دلیل دید عمیق و فراست ذاتی و مطالعه کاوش‌گرانه در رخدادهای اجتماعی و وضعیت جوامع اسلامی، به‌ویژه جامعه ایران، از بینش و معرفتی ژرف بهره‌مند بود. بدیهی است بررسی و تحلیل و تدوین آرای تربیتی چنین شخصیتی نقش مؤثری در تربیت فرد و جامعه خواهد داشت.

۳. از بنیادی‌ترین ابعاد شخصیت امام خمینی علیه السلام، منش و روش اخلاقی عرفانی و باور جندی وی به سلوک اخلاقی و عرفانی و تربیت معنوی است. وی با اعتصام به حبل و وثیق ولایت و امامت و با استناد به اخبار و آثار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آثار بزرگی در باب اخلاق و تربیت و عرفان، از قبیل شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح چهل حدیث، سر الصلاة، آداب الصلاة، مصباح الهدایه و مانند آنها پدید آورد که در تبیین لطایف اخلاقی و عرفانی و تربیتی از کتاب‌های بی‌نظیر در نوع خویش به شمار می‌آید. مطالعه، بررسی و تأمل در این آثار نشان

می‌دهد که امام خمینی علیه السلام در حوزه تربیت، اخلاق و عرفان دارای آرا و دیدگاه‌های بدیع و نوآوری‌های درخوری است که شناخت، تحلیل و بررسی آنها می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل تربیتی اخلاقی امروز جامعه بشری باشد.

۴. بدون تردید امام خمینی علیه السلام از مریبان بزرگ در جهان اسلام به شمار می‌آید، بلکه مری بودن وی نقطه عطف زندگی پربار اوست. تأثیر کلام ساده و رفتار بی‌پیرایه ایشان جان و دل شیفتگان اخلاق و تربیت و حق و عدالت را نورانی و مشتعل ساخت و اندیشه و باور و شخصیت آنان را دگرگون کرد و با نغمه روح الهی و نَفَس مسیحایی خویش مردمی دیگر ساخت و راه روشن تربیت اسلامی را در پیش‌دید مسلمانان بلکه بشریت نهاد.

مری‌واقعی کسی است که اول، انسان و شئون وجودی او را بشناسد و نظری جامع در مورد انسان و نیازها و ابعاد وجودی او داشته باشد؛ دوم، راه تربیت انسان را بداند و برای آن راهکارهای مشخص و معین به دست دهد؛ سوم، خود نیز راه تربیت را زفته و بدانچه می‌گوید عمل کرده باشد و تضادی میان اندیشه و گفتار و رفتارش نباشد؛ چهارم اینکه، دلسوز و خیرخواه باشد.

صاحب‌نظران و محققان و همه کسانی که شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی امام خمینی را درک کرده‌اند می‌دانند که همه ویژگی‌های یک مری به صورت جامع و کامل در وجود آن بزرگوار ظهور داشت و از همه مهم‌تر اینکه وی نمونه‌ای کامل از اندیشه‌های تربیتی، اخلاقی و عرفانی بود و مراحل سیر و سلوک و مجاهدت نفسانی را تا آنجا پیموده بود که خود برهان قاطع و آیت عظمای اخلاق و استادی بزرگ در تربیت بود، چنان که در انتقال فضایل معنوی و تربیت نفوس و القای عظمت معنوی و حس مسئولیت و تعهد و ایجاد حس نیاز دائمی به اخلاق و تربیت در شاگردان و در همه مردم بسیار موفق بود.

۵. اقتدار ملکوتی امام خمینی در جذب و تطهیر قلوب و تربیت نفوس اعجاب‌انگیز بود. او با ظهورش، آفتاب پرفروغ تربیت و اخلاق را با درس‌های اخلاق بی‌نظیر، تألیف کتاب و با سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پیام‌ها در همه‌جا گستراند و خاطره مریبان بزرگ الهی را در خاطره‌ها زنده کرد. کسانی که در درس‌های اخلاق و تربیت ایشان شرکت داشته‌اند از تأثیر تربیتی شگرف سخن وی در تربیت نفوس و تطهیر قلوب بسیار گفته‌اند. استاد مطهری می‌گوید:

درس اخلاقی که وسیله شخصیت محبوبم در هر پنج‌شنبه و جمعه گفته می‌شد و درحقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد و بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس

و سپس در درس‌های دیگری که طی دوازده سال از آن استاد الهی فراگرفتم انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم، راستی که او «روح قدسی الهی» بود.^۱

آیت‌الله سبحانی نیز می‌گوید: «حضور در درس امام خمینی انسان را به دنیا و زخارف آن چنان بی‌علاقه می‌کند که انسان فقط و فقط به معنویات ارجح می‌نهد، آن درس مسئله‌سیر و سلوک را به تدریج در میان فضلا رایج ساخت و غالب افراد کوشش می‌کردند که گفتار و رفتار خود را با اخلاق اسلامی وفق دهند».^۲

۶. امام خمینی علیه السلام رهبر یک انقلاب بزرگ فرهنگی، دینی و سیاسی بود که توانست یکی از رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون سازد و جمهوری اسلامی را جایگزین آن نماید و به مدت ده سال همه شئون و ابعاد جامعه را رهبری و اداره کند. بی‌تردید رهبر چنین انقلابی دارای دیدگاه‌ها و ایده‌ها و اندیشه‌های تربیتی سترگ و تجربه‌های ارزشمند و راهگشا — در زمینه تربیت فردی و اجتماعی — است. از این روی استخراج و تبیین و تحلیل اندیشه‌های تربیتی این نام‌آور جهان معاصر و رهبر بزرگ و وظیفه‌ماست. اندیشه تربیتی او مبین اندیشه تربیت اسلامی، و نیز عاملی برای شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی است.

خلاصه سخن آنکه بُن‌مایه و جوهره تعالیم تربیت امام خمینی بر سه امر استوار است: یکی، توجه ویژه به فرهنگ و اندیشه اسلامی، که اهمیت این امر با توجه به اینکه ستون فقرات فرهنگی جامعه ما را پیوند عمیق مردم با دین اسلام تشکیل می‌دهد، روشن است؛ دوم، رویکرد امام خمینی در زمینه تربیت است که پرورش روحی و معنوی بوده و به‌طور کلی مقصود وی از تربیت، ربانی شدن و خداگونه شدن است؛ و سوم، جنبه اجتماعی داشتن تعلیم و تربیت است، پیش از آنکه جنبه فردی داشته باشد، که این نکته نیاز به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی را نشان می‌دهد و همکاری و همگامی نهادهای مختلف اجتماعی را می‌طلبد. دلالت این امور بر ضرورت پژوهش حاضر روشن است. حاصل آنکه، استخراج و تبیین آرای تربیتی امام خمینی، بستری مناسب در حوزه تربیت اسلامی است و زمینه را برای دستیابی به دیدگاه‌های ابداعی و روشمند در تربیت اسلامی فراهم می‌آورد.

گفتنی است تاکنون اندیشه‌ها و نگرش‌های تربیتی امام خمینی به صورت تحقیقی جامع، منسجم و سامان‌مند و همه‌جانبه و در قالب طرحی سازوار با متون تربیتی روز نگاشته نشده

۱. مطهری، علل گرایش به مادیگری، ص ۱۰.

۲. مکارم شیرازی، «ابعاد شخصیت حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی علیه السلام»، مجله مکتب اسلام، س ۲۹، ش ۳، ص ۱۶.

است. هرچند در بررسی آرا و افکار تربیتی امام خمینی کارهای پژوهشی چندی صورت گرفته که هر یک در حد خود ارزشمند است، اما بیشتر آنها یا به صرف گردآوری سخنان اختصاص یافته، یا به بعدی از ابعاد اندیشه تربیتی امام خمینی پرداخته و دیگر ابعاد مغفول مانده‌اند، یا به‌طور عمده بر صحیفه امام و بر مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های امام خمینی متکی‌اند و از آثار مکتوب وی در اخلاق و عرفان و فقه و سیاست و تربیت کمتر استفاده شده است؛ اما بنای این پژوهش، اولاً بر استفاده مستقیم از همه آثار و تألیفات امام خمینی علیه السلام است و ثانیاً، سعی شده به صورت جامع و نظام‌مند و با تفسیر و تحلیل، آرا و اندیشه‌های تربیتی امام خمینی بررسی شوند.

الگوی پژوهش

منظور از الگو در اینجا قالب و چارچوبی کلی برای بیان مطالب و مسائل معین است که چارچوب طرح تحقیق و پژوهش به شمار می‌آید؛^۱ و منظور از الگوی پژوهش در تدوین نظام تربیتی، طرح‌واره مفهومی نظام‌مندی متشکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آنهاست که پاسخ‌های مستدل و عامی را برای هدایت و مربیان در عمل تربیتی فراهم می‌آورد.^۲

هر مکتب و نظام تربیتی را می‌توان با یکی از سه الگوی تحقیق تبیین و تدوین کرد:

۱. **الگوی مؤلفه‌های نظام تربیتی.** مؤلفه‌ها یا عناصر نظام تربیتی عبارت‌اند از مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع و مراحل تربیت. براساس این الگو، پاره‌ای از پژوهشگران آثار و تألیفات دانشوران مورد نظر خود را مطالعه کرده و از آنها مبانی، اهداف، اصول و دیگر مؤلفه‌ها و عناصر تربیت را استخراج و استنباط می‌کنند.

۲. **الگوی ساحت‌های تربیت.** واژه ساحت، به معنای عرصه، پهنه، میدان، پیشگاه، ناحیه، محوطه و حیاط است؛^۳ و ساحت‌های تربیت به معنای عرصه‌ها، بسترها و انواع تربیت‌اند. اندیشمندان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت با نگاه به ابعاد وجود انسان و لزوم تربیت همه‌جانبه او، برای تربیت، ساحت‌های متنوع و متعددی ذکر کرده‌اند؛ از جمله سند تربیتی که دربرگیرنده مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی است، ساحت‌های

۱. مهرگان، مدل‌سازی ریاضی، ص ۱۱؛ و نیز: تقوی‌نژاد، الگوها و پیش‌نیازهای مدل برنامه‌ریزی، ص ۱ و ۲.

۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری

اسلامی ایران، ص ۲۸۸.

۳. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۳۹۶۲.

تربیت را بدین گونه معرفی کرده است: الف) ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ب) ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ج) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری؛ د) ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ه) ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ و) ساحت تربیت علمی و فناوری.^۱ برخی پژوهشگران علوم تربیتی براساس الگوی ساحت‌های تربیت، به تبیین ساحت‌های مختلف تربیت از نگاه یک شخص یا مکتب و نظام تربیتی می‌پردازند.

۳. الگوی تدوین تک‌ساحتی، که بر طبق آن تنها به پژوهش در یکی از ساحت‌های تربیتی می‌پردازند. الگویی که در این نوشتار برای تبیین و تدوین اندیشه تربیتی امام خمینی به کار گرفته‌ایم، الگوی دوم، یعنی الگوی تعیین ساحت‌های تربیت — با الهام از اقسام ذکرشده در سند تربیتی مزبور — است. دلایل این امر چنین‌اند:

اول، این الگو همه ابعاد و شئون وجودی آدمی را پوشش می‌دهد و اصل همه‌جانبه‌نگری در تربیت رعایت می‌گردد.^۲

دوم، امروزه نیاز تربیتی فرد و جامعه بیشتر در قالب ساحت‌ها و قلمروهای تربیتی مطرح می‌شود. معمولاً سؤال می‌کنند تربیت دینی چیست؟ تربیت اخلاقی کدام است؟ و تربیت جنسی و دیگر اقسام تربیت را چگونه در خانه، مدرسه و جامعه پیاده کنیم؟ پیروی از الگوی تعیین ساحت‌های تربیت پاسخی به این نیاز است.

سوم، این الگو مباحث تربیتی را بیشتر به سوی مسائل کاربردی سوق می‌دهد و ما را بیشتر به نظام تربیتی ایجابی و کاربردی نزدیک می‌سازد و چه‌بسا بهتر بتوانیم با پیروی از این الگو مسائل تربیتی را به صورت عینی، جزئی و کاربردی مطرح کنیم.

شایان گفتن است که در هر ساحت از ساحت‌های تربیت، از حدود و قلمرو و مؤلفه‌های اصلی آن ساحت، از قبیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های مربوط به آن نیز بحث و بررسی کرده‌ایم، و این در واقع، بدان معناست که از الگوی دوم، یعنی الگوی مؤلفه‌های نظام تربیتی نیز به‌نوعی — به عنوان الگویی تکمیلی — بهره برده‌ایم. البته تلاش ما بر این بوده است که در بیان مؤلفه‌های ساحت‌های تربیت، به مؤلفه‌های خاص هر یک از ساحت‌ها بسنده کنیم و از تکرار موارد مشترک خودداری ورزیم.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۹، ۱۵۰ و ۴۲۲.
۲. همان، ص ۲۸۸.

با در نظر گرفتن این امور، در این کتاب، پس از بیان کلیات بحث در فصل اول، اندیشه و نظام تربیتی امام خمینی علیه السلام را در پنج ساحت در طی فصل‌های پنج‌گانه بعدی، بدین ترتیب بررسی خواهیم کرد: تربیت اعتقادی و عبادی، تربیت اخلاقی و عرفانی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت علمی، عقلی و فناوری، و تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.

دورنمایی از اهداف کتاب

در این پژوهش، اهداف ذیل در نظر هستند:

۱. آگاهی از ابعاد گوناگون شخصیت عظیم و ممتاز امام خمینی علیه السلام و نیز بررسی آثار علمی او، به‌ویژه در ساحت تربیت، اخلاق و عرفان؛
۲. بازشناختن معنا، مفهوم و ماهیت تربیت، و نیز نگاهی به رویکردها و مکاتب تربیتی و آشنایی با ویژگی‌های مکتب تربیتی امام خمینی علیه السلام؛
۳. نشان دادن ضرورت بازشناسی اندیشه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام براساس الگوی ساحت‌های تربیت؛
۴. بیان دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام در ساحت‌های تربیت اسلامی؛
۵. بازشناختن بنیان‌ها و زیرساخت‌های اندیشه تربیت امام خمینی علیه السلام: بی‌تردید تبیین و تحلیل نظام‌مند آرا و اندیشه‌های امام خمینی در ساحت‌های تربیت ما را به وادی عرفان و فلسفه و فقه می‌کشاند که باید در تبیین آنها مبانی فقهی، عرفانی و فلسفی ایشان را بازشناسی کنیم؛
۶. آشنایی با راهکارهای تربیت معنوی: با توجه به اینکه امام خمینی تجسم اخلاق، عرفان و تربیت؛ و سبک زندگی‌اش اخلاقی، تربیتی عرفانی بود، به‌درستی راه درخشان تربیت، اخلاق و سلوک را نشان داده است.

در خاتمه، الطاف بی‌پایان خدای رؤف رحیم را که توفیق داد تا در سیر تبیین آرای تربیتی دانشمندان مسلمان، به پژوهش در آرا و دیدگاه‌های تربیتی امام خمینی علیه السلام پردازم و حاصل آن را تقدیم جامعه علمی کنم، سپاس می‌گزارم و به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش درود می‌فرستم. وظیفه خود می‌دانم از همه سروران عزیزمی که در سامان یافتن این تحقیق همراهی و مساعدت کرده‌اند، به‌ویژه از اعضای شورای علمی گروه علوم تربیتی و مدیر محترم گروه، و ارزیابان گرامی این اثر، دکتر حسن ملکی و حجة الاسلام والمسلمین دکتر سعید بهستی، و نیز از بخش‌های اجرایی و پژوهشی، و اداره نشر و ویرایش و کتابخانه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تشکر کنم.

نگاهی به شخصیت تاریخ‌ساز امام خمینی علیه السلام و آثار علمی ایشان

امام خمینی خورشید فروزان در افق آسمان تمدن اسلامی و شخصیت تاریخ‌ساز جهان اسلام است که هرگز فروغ و درخشش پایان ندارد. نام‌آور بزرگ دوران معاصر انسان کاملی بود که علم و عمل را به هم آمیخت و عرفان و اخلاق را در خود تجسم بخشید و به دلیل بهره‌مندی از علوم متعدد و متنوع، جامع معقول و منقول بود. او فقیه، اصولی، مفسر قرآن، محدث، فیلسوف، عارف، معلم اخلاق، دارای طبع لطیف و سُرایش شعر، سیاستمدار، زمان‌شناس و مردم‌شناس و نمونه برجسته انسان تربیت‌شده در مکتب الهی و بهره‌مند از حیات طیبه بود.

اهمیت و برجستگی امام خمینی تنها به جامعیت و تضلع و تبحر در علوم گوناگون خلاصه نمی‌شود، بلکه وی دانشمندی پارسا، عارفی شجاع، فقیهی ژرف‌اندیش، نظریه‌پرداز دقیق، حکیمی سیاستمدار و عزتمند و ولایتمداری غیرتمند و احیاگر و مجددی پرتوان بود. قله ایمان، تعهد و پایبندی دینی، بینش عمیق، وارستگی اخلاقی، شوریدگی عرفانی، قدرت اراده، قدرت تسلط بر نفس، توکل مثال‌زدنی، شهامت و شجاعت و ظلم‌ستیزی و صبر و استواری از دیگر درخشش‌های اویند. وی با ایمان راسخ و استوار به خداوند و بصیرت باطنی و فراست سیاسی و مدیریت انقلابی بزرگ‌ترین تحول را در تاریخ سیاسی جهان پدید آورد.

در اینجا به منظور آشنایی بیشتر با شخصیت درخشان و ممتاز امام خمینی و تبیین ضرورت این پژوهش، نکات برجسته وجود پرفیض وی را بیان می‌کنیم و به بررسی آثار علمی و تألیفات ارزشمند وی می‌پردازیم.

الف) ویژگی‌های برجسته

۱. جامعیت شخصیت

معنا و مفهوم جامعیت شخصیت این است که شخصی در بُعد علمی و عملی از کمالات و صفات متکثر، متنوع و متعدد در نصابی دست‌نیافتنی بهره‌دار باشد، آن‌سان که در شرایط معمولی فراهم آمدن همه آنها در یک نفر ممکن نباشد و متضاد بنماید. شخصیت امام خمینی چنان جامع و کامل بود که در قالب‌ها و ساختارهای رایج و مرسوم نمی‌توان آن را گنجانید؛ زیرا کمالات علمی و عملی به ظاهر متضاد در او یکجا جمع بود، وی در عین اینکه از برجسته‌ترین فقهای عصر بود و جامع و عمیق و وسیع به مباحث فقهی پرداخته بود؛ و به مقام رفیع

اجتهاد و افتا، بلکه به نظریه پردازی عمیق و بدیع در فقه دست یافته بود، در فلسفه و عرفان نیز که معمولاً با فقاہت قابل جمع نیست احاطه و تسلطی بی نظیر داشت و در عین اینکه فقیه بی بدیل و فیلسوف و عارف بی نظیر به شمار می آمد، در عرصه سیاست و امور سیاسی و مصالح اجتماعی و حکومتی نیز بی رقیب بود.

نکته درخور دقت این است که زهد و دنیاگریزی با حضور مستمر در متن حوادث اجتماعی و آگاهی کامل از مشکلات اجتماعی و سیاسی ایران و جهان و تصمیم گیری سیاسی به موقع و دقیق قابل جمع نیست، اما امام خمینی توانست میان فقه و عرفان و سیاست جمع کند و با اینکه در زمینه زهد و دنیاگریزی پشتاز بود و همواره بر ساده زیستی، زهد و قناعت اصرار داشت، با این وصف رهبر سیاسی اجتماعی بی بدیل نیز بود و بزرگ ترین انقلاب سیاسی و اجتماعی را رهبری کرد و به پیروزی رساند و نخستین حکومت جمهوری اسلامی را براساس یک نظریه دینی بنیان نهاد و پس از آن در سخت ترین شرایط اجتماعی و سیاسی، امور کشور را از مسیر بسیار سخت توطئه ها و محاصره های سیاسی، اقتصادی و نظامی و جنگ هشت ساله عبور داد و در همه این زمینه ها با توفیق کم نظیری همراه بود.

امام خمینی علیه السلام در حوزه سیاست نگرش فراوطنی داشت و نسبت به سیاست جهانی و شرایط سیاسی اجتماعی دیگر جوامع بی توجه نبود، بلکه در برابر مشکلاتی که مستکبران و ستمکاران برای مظلومان و محرومان در سراسر جهان پدید می آوردند، تصمیم های سیاسی نافذ، جامع و بجای می گرفت. وی منادی حقوق بشر در دنیا بود و همین امر موجب می شد که هر گاه اطلاع می یافت در دورترین مناطق جهان بر مظلومان و مسلمانان ستم گرفته، یا اسلام با هجوم دشمنان روبه رو شده، مردانه و غیرتمندانه برمی خاست و می خروشید و فتوا می داد و موضع گیری می کرد، با این همه ساده زیستی و زهد او زبانزد خاص و عام بود.

جلوه های شگفت آور ابعاد گوناگون شخصیت امام خمینی بسیار است و آنچه گفته شد تنها اشاره ای کوتاه به جامعیت شخصیت وی بود، واقعیت این است که وقتی امام خمینی را در کنار عالمان و فقیهان و رهبران حرکت های اسلامی قرار می دهیم و به مقایسه می نشینیم ملاحظه می کنیم که او سخت بی همتا و یگانه و منحصر به فرد و شخصیتی کاملاً استثنائی است و حساب او از دیگران جداست و درمی یابیم همه ویژگی ها در امام خمینی، فراتر از معمول انسان های برجسته و رهبران حرکت های اسلامی بوده است.

۲. قله ایمان و خلوص

پایه و اساس تعلیم و تربیت اسلامی شناخت خدا، ایمان و اعتقاد و جلب رضایت اوست و هیچ چیزی در این عرصه همتای جلب رضایت باری تعالی نیست. مربی واقعی نیز کسی است که از خویشتن خویش بمیرد و از همه تعینات و تعلقات که مانع اتصال به جناب قدس الهی است رهایی یابد و وجهه بشری بودن او در وجه ربوبی محو گردد و به یقین بیابد که هستی منحصر به خداست و همه مخلوقات و مصنوعات و همه اشیا مظاهر و نمودهای او هستند و عوالم وجود و همه رخدادهای، آئینه جمال و جلال اویند و همه تقدیرها و تدبیرها به دست او رقم می‌خورند، پس چهره هستی خویش را تنها متوجه جلب رضای الهی کند و انگیزه‌ای جز انگیزه الهی نداشته باشد.

امام خمینی علیه السلام عبد صالح خدا به بارگاه رفیع معرفت و ایمان توحیدی بار یافت، آن سان که از خود و ماسوی الله به کلی فانی و خالی شد و هرگز خشنودی غیر خدا را در قیام و قعود خود و در شرایط گوناگون زندگی وجهه همت خویش قرار نداد، بلکه محور تمام رفتار و گفتار و کردار و قیام و قعود وی با اخلاص تام همراه بود و در همه مراحل زندگی و در همه حالات و موقعیت‌ها و شرایط مختلف، انگیزه و هدفی جز جلب رضایت الهی و احیای کلمه علیای خداوند نداشت و رمز اصلی موفقیت ایشان نیز اخلاص بود.

امام خمینی علیه السلام در برنامه مبارزاتی خود نه به عنوان یک انسان آزاده و نه به عنوان فرزانه دادگر، یا خردمند دادخواه، بلکه به استناد دستور دینی و تعبد و تقید شرعی به پا خاست و با جامعیت علم و معرفت و ایمان و اعتقاد راسخ و قوت قلبی و بدنی، با صلابت سخن گفت و اسارت، تبعید، زجر و زندان و ضرب و جرح و هجرت و شهادت فرزند را پذیرفت. در سال‌های متمادی مبارزه، دوست و دشمن دریافتند که امام خمینی فقط برای خدا کار می‌کند و همین امر باعث شد که بتواند سکون و سکوت را از جامعه اسلامی بزدايد و جان شیفتگان حق و حقیقت را مشتعل سازد.

امام خمینی علیه السلام در شرایطی که یار و یاور و عده و عده‌ای نداشت و دشمن او در اوج قدرت بود و همه می‌گفتند با دست خالی نمی‌توان با طاغوتیان مبارزه کرد و هر نوع مبارزه شورش، کور و بی‌حاصل و محکوم به شکست است، با تکیه بر ایمان به خدا و عشق به دین قیام کرد، و خروشید و مردم را بیدار کرد و ندای رسای جهاد در راه خدا و *لَوْ بَلَّغَ مَا بَلَّغَ رَا طَنِینَ اِنْدَاخْت*.^۱ و با استمداد از امدادهای غیبی نقاب ظلم و ستم را از هم درید و رهایی و آزادی را بشارت داد. وی

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸.

در شرایط مبارزه که سخت به عِدّه و عُده نیاز داشت از معاضدت گروهک‌های منحرف و افراد گمراه نیز به شدت پرهیز داشت و یاران خود را از همراه ساختن آنها برحذر می‌داشت.^۱ جلوه‌های اعجاب‌آمیز ایمان و خلوص امام خمینی بسیار است؛ وی سراسر عمر پربرکتش را وقف تحقق آرمان‌های اسلام و احیای آیین محمدی کرد و با شهامت و دلیری همه سختی‌ها، تهدیدها و حوادث بسیار تلخ را به جان خرید و در همه حال، اوج ایمان و اخلاص خود را نمایان ساخت.^۲

او هرگز داعیه مرجعیت و زعامت نداشت و از هر گونه رفتار و گفتاری که چنین شائبه‌ای برانگیزد سخت پرهیز می‌کرد و شاگردان و یاران خود را از ترویج و تبلیغ برای این امور برحذر می‌داشت.^۳ امام خمینی همه حرکت خویش را بر اساس تکلیف الهی انجام می‌داد، به طوری که برای نگارش یک کتاب در رد شبهات مخالفان اسلام یک ماه تا چهل روز تدریس روزانه حوزوی و دیگر مطالعات فقهی اصولی خود را با رضایت و خشنودی تعطیل کرد.^۴ او هرگز به نزدیکان و فرزندان خود، حتی برای آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی که مقام علمی او نزد فضلا مبرهن بود، اجازه دخالت در تصمیم نمی‌داد و نمی‌گذاشت فرزند و حتی برادرش در کار شخصی ایشان دخالت کنند.^۵ وی با اینکه دنیا را بیدار کرد و یک دهه، جهان را به اسلام و ایران و شخصیت بارز خود متوجه ساخت و ابرقدرت‌ها را با نهیب خود به لرزه انداخت، اما هرگز خود را به عنوان رهبر مطرح نکرد، بلکه همواره می‌گفت: «اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر».^۶ «تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم، خدمتگزار ملت‌های اسلامی، خدمتگزار ملت بزرگ ایران...، خدمتگزار همه قشرهای کشور».^۷ با همه این اوصاف، در آخر وصیتنامه خود چنین آورد: از ملت امیدوارم عذر مرا در کوتاهی‌ها، قصورها و تقصیرها بپذیرد.^۸

۳. برجستگی عرفانی اخلاقی

بینش بی‌نظیر و موضع‌گیری‌ها و راهنمایی‌ها و هدایت‌ها و پیش‌بینی‌های بی‌بدیلی که امام خمینی علیه‌السلام در مقاطع بحرانی و حساس انقلاب اسلامی و پس از آن، در خلال صدها رهنمود راهگشا خطاب به

۱. جوادی آملی، بنیان مرصوص، ص ۱۶.
 ۲. امام خمینی، صحیفه نور، مقدمه (نگاشت مقام معظم رهبری).
 ۳. جوادی آملی، بنیان مرصوص، ص ۲۹.
 ۴. امام خمینی، صحیفه نور، مقدمه (نگاشت مقام معظم رهبری).
 ۵. همان.
 ۶. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۶۳.
 ۷. همان، ص ۴۷۱.
 ۸. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۰.

ملت ایران، مسئولان کشور و مسلمانان جهان نمایاند، تنها از فراست سیاسی او نبود، بلکه از بصیرت باطنی عرفانی او برمی‌خاست. او تمام قوس وجود را من الله و الی الله می‌دانست و سراسر منظومه فکری او با خوش بینی پیوند خورده بود؛ زیرا به درستی به ساحت قدس عرفان پا نهاد و سلوک عرفانی و طریقه مجاهده نفسانی را تجربه کرد و رسم بندگی و دلدادگی و همنشینی با خدا را تمرین کرد و تنها او را می‌دید و فقط به رضایت او می‌اندیشید و آنچه را بر او واقع می‌شد با رضایت‌مندی وصف‌ناپذیر پذیرا بود و این بصیرت باطنی بود که نه تنها فراست و بینش سیاسی وی را بار و بر می‌داد، هدایت می‌کرد و بر آن اشراف داشت، بلکه بر همه شئون و ابعاد علمی و عملی او پرتوافشانی داشت. بنابراین، بارزترین وجه تمایز شخصیت امام خمینی بر جستگی عرفانی معنوی اوست.

عرفان امام خمینی سه ویژگی داشت:

الف) عرفان متکی بر متون دینی: امام خمینی، بر مبانی عرفان نظری و عملی احاطه و تسلط کامل داشت و این امر مهم از آثار و نوشته‌های عمیق عرفانی وی، همچون تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی و مصباح الانس فناری و توضیح و تبیین منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و آثار عرفانی دیگر کاملاً آشکار است؛ اما ره‌توشه امام خمینی از عرفان تنها این نبود، بلکه با توجه به اینکه وی بر متون احادیث تسلط کامل داشت و از توانایی فقهی حدیثی در حد اعلا بهره‌دار بود، با استناد به احادیث و با تکیه و تمرکز بر دعاها و مناجات ائمه هدی^{علیهم‌السلام} به تفسیر و تحلیل توحید و نیز شرح ولایت و حقیقت باطنی پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و ائمه هدی پرداخت و کتاب ارزشمند مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة را به نگارش درآورد و پیش از آن به تفسیر و تبیین دعای سحر حضرت امام باقر^{علیه‌السلام} پرداخت و آنگاه به شرح کردن چهل حدیث از احادیث اخلاقی عرفانی معصومان^{علیهم‌السلام} همت گمارد و درباره نماز عارفان و معراج سالکان، سر الصلاة و آداب الصلاة را نگاشت و در نهایت شرح حدیث جنود عقل و جهل را در سال ۱۳۶۳ق، یعنی در ۴۳ سالگی به عنوان نظام‌مندترین و کامل‌ترین شرح دیدگاه‌های خود درباره اخلاق و عرفان تدوین کرد. افزون بر اینها، وی اهمیت بسیاری برای مطالعه و قرائت ادعیه ائمه اطهار قائل بود و جان و دل نورانی او پیوندی مستحکم و سنخیتی ویژه با مناجات شعبانیه داشت و در قنوت نماز و در پایان درس پاره‌ای از جملات آن را می‌خواند و دیگران را نیز به خواندن آن توصیه می‌کرد. بنابراین، پایه و اساس عرفان امام خمینی متون دینی و شریعت اسلام بود که در قرآن و احادیث معصومان^{علیهم‌السلام} و در دعاها و مناجات‌ها بیان شده است و بدین سبب باید بگوییم عرفان امام خمینی عمیق‌ترین و اصیل‌ترین نمونه عرفان اسلامی است.

ب) درهم آمیختگی عرفان نظری و عملی: امام خمینی علیه السلام از عارفانی بود که با چنگ در زدن به ریسمان محکم ولایت و امامت و با استناد قرآن کریم و آثار اهل بیت عصمت و طهارت، عرفان نظری و عملی را درهم آمیخت و در صحنه زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مفاهیم عرفانی را عینیت بخشید و علم را به عین آورد، او همه عوالم وجود را جلوه ذات ربوبی می دانست، این حقیقت را او فهمید و به درستی بررسی کرد و به آن ایمان آورد و در مرحله عمل همه حرکات و سکنات و گفتار و رفتار خود را در محضر رب العالمین می دید و آنی از یاد خدا غافل نشد و همه زندگی اش از قیام و سکوت و هجرت، همه برای خدا بود، در خانه، مدرسه و جامعه جز برای خدا کاری نکرد و در موقع خطر و زندان و شکنجه و تبعید و در جنگ و صلح و در هر شرایطی، به خدا اعتماد داشت. او به هنگام قدرت هم به درستی این حقیقت را یافت که زمامداری و رهبری سکه ای است که دو روی دارد؛ یک روی آن خلافة الله است و روی دیگر آن به گفته امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام عطسه بز ماده و استخوان بی گوشت خوک در دست بیمار جذامی. او به حقیقت رهرو خستگی ناپذیر وادی عشق بود که با پای عشق، به شریعت عمل کرد و به طریقت و حقیقت دست یافت، حتی عرفان را در صحنه سیاست پیاده کرد و طریقت و حقیقت را با سیاست و مدیریت اجتماعی همسو ساخت. وی در این زمینه سخن دلپذیری دارد: «آنها که فکر می کنند بدون شریعت می توانند به مقصد برسند هیچ شاهد و دلیلی ندارند؛ زیرا خداوند متعال که راهنماست تنها راه را عمل به شریعت می داند و آنها که می پندارند با عمل به شریعت نمی توان به طریقت رسید، آنها هم شریعت را درست نشناختند و به آن عمل نکردند و آنها که با سیر و سلوک و شریعت و طریقت هماهنگ شدند، ولی به حقیقت بار نیافتند، برای آن است که به درستی طی طریق نکردند.»^۱ به هر حال، یکی از درخشان ترین جلوه های شخصیت امام خمینی آن بود که در عمل و نظر میان علم و فقه و سیاست و عرفان جمع کرد و از طریق عمل به شریعت، به طریقت و حقیقت ناب دست یافت.

ج) عرفان در متن زندگی: امام خمینی علیه السلام شخصیتی بود که در عرفان نظری متخصص و در عرفان عملی اهل سیر و سلوک بود و مقامات عرفانی را به بهترین وجه پیموده بود، ولی به هیچ وجه از گروه های رسمی عرفان و تصوف نبود و رفتار و گفتار و سبک زندگی او با رفتار دیگران در ظاهر هیچ تفاوتی نداشت و آداب سلوکی او همان آداب فقهی بود و عرفان او با عقلانیت همراهی تام داشت و بر همه آنچه از مرز عقل سلیم، شرع کریم و اعتدال خارج بود، خط بطلان کشید و از

۱. همو، تعلیقه بر فصوص، فص ابوی، ص ۶۶.

انزواگزینی، دنیاگریزی و زهدگرایی و ریاضت‌های عقل‌ستیز، سخت‌حذر داشت و به بلندپروازی‌ها، گزافه‌گویی‌ها و لاف‌زنی‌ها و داعیه‌پردازی‌ها بیم می‌داد. او اذعان داشت که زهد اسلامی، غیر از رهبانیت و دنیاگریزی است و روح اسلام و مرام و مسلک پیشوایان معصوم علیهم‌السلام این است که دنیا و آخرت به یکدیگر پیوسته‌اند، اما برای تعالی دادن روح و صفا بخشیدن به زندگی دنیا، باید ملاک‌های اخروی وارد زندگی دنیوی شوند و انسان مؤمن به مبدأ و معاد، در عین اینکه در جامعه زندگی می‌کند و مسئولیت اجتماعی می‌پذیرد، همواره می‌کوشد زندگی ساده و بی‌تکلفی داشته باشد. بنابراین، عرفان امام، از یک سو عرفان بندگی و راز و نیاز و آرامش بود و از سوی دیگر، عرفان حماسه و رزم و خروش و در یک کلام، عرفان زندگی بود.

۴. فقاہت و اجتهاد

امام خمینی علیه‌السلام از برجسته‌ترین فقهای تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید، فقهی بی‌بدیل که توفیق تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای نظریه کلامی فقهی «ولایت فقیه» از ویژگی‌های اوست. حوزه درس فقه و اصول وی از نظر تحقیق و عمق علمی در زمره نخستین حوزه‌های درسی حوزه در میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ ش به شمار می‌رفته است و این بدان سبب بود که امام خمینی در مباحث فقهی و اصولی صاحب سبک و روشی خاص بوده و بحث و تحقیق و ژرف‌نگری و ریشه‌ای بحث کردن را با تتبع در تاریخ مسئله فقهی و اصولی و بیان سیر اقوال فقیهان توأمان می‌کرد و بنیان نوینی را در فقه پی‌ریزی کرد.

امام خمینی به فقه سنتی و جواهری دلبستگی تام داشت و مکرر بدان توصیه می‌کرد.^۱ و اصولاً روش دیگری را صحیح نمی‌دانست؛ زیرا اعتقاد داشت اساس فقه بر ژرف‌بینی و تحلیل و تحقیق و اجتهاد استوار، بنیان شده و از این طریق است که می‌توان به عمق مسائل فقهی پی برد و به نوآوری‌های بدیع فقهی دست یافت.^۲ راز اصرار امام خمینی علیه‌السلام بر فقه سنتی و اجتهاد جواهری، دو امر بود؛ یکی، تحقیق و تحلیل و ژرف‌نگری و علت دیگر، آن بود که صاحب جواهر، فقه و فقیه را از مهجوری و انزوا خارج ساخت و فقه و فقاہت را به صحنه سیاست و جامعه کشاند و از مسئله ولایت فقیه که در حقیقت حاکمیت و ولایت فقیه و فقاہت است، به عظمت سخن گفت و چنین بیان داشت: اگر کسی منکر ولایت فقیه باشد، گویا اصلاً طعم فقه را

۱. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۹ و ۴۲۵.

نچشیده است.^۱ البته این مسئله نیز نباید فراموش شود که امام خمینی در عین اینکه از اجتهاد جواهری به صورتی محکم و استوار ترویج می‌کرد، اما نسبت به محاسن روش‌های جدید و نیز علوم مورد احتیاج حوزه‌های علمیه نیز بی‌توجه نبود.^۲

لازم است بدانیم که امام خمینی علیه السلام به منظور احیای فقه و فقاہت و تحقق عینی باز بودن باب اجتهاد، به فهم و درک موضوعات عرفی و انس داشتن با محاورات عرفی،^۳ و مقتضیات زمان و مکان و شناخت درست مصالح و واقعیات اجتماعی و دخیل دادن زمان و مکان در روابط حاکم بر سیاست و اقتصاد برای شناخت درست موضوع فقهی، اهمیت ویژه قائل شد و فقه و فقاہت را به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی جهت داد؛ زیرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسائل فقهی و آرای فقهی فقیهان در سطح جامعه و رسانه‌ها مطرح شده بود و حل مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیاز جامعه بود و این بود که امام خمینی در جهت ایجاد بینش عمیق سیاسی و اجتماعی به اهل علم و حوزویان و عموم مردم همت گمارد و خطاب به فقیهان و حوزویان مطالبات جدی خود را مطرح ساخت که درباره مالکیت و اقسام و محدوده آن، انفال و ثروت‌های عمومی، مسئله پول و ارز و بانکداری و مالیات، تعیین حدود حاکمیت ولایت فقیه، تجارت داخلی و خارجی، مسائل هنری و فرهنگی، پیوند اعضا، توسعه، یا جلوگیری از مولید، حدود و دیات و ده‌ها مسئله دیگر، به صورت جدی تحقیق و مطالعه کنند.^۴

نکته مهم آن است که دیدگاه‌های فقهی امام خمینی در باب مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمانی به درستی فهم و درک می‌شود که خواست قلبی، مشی عملی و فتوای سیاسی و انقلابی و هدایت‌های عمیق و وثیق وی را به درستی درک کنیم. اینک برای نمونه خواست قلبی وی که در پایان کتاب ولایت فقیه در قالب دعا بیان شده توجه می‌کنیم:

بارالها، دست ستمگران را از بلاد مسلمین کوتاه کن، خیانتکاران به اسلام و ممالک اسلامی را ریشه کن فرما، سران دولت‌های اسلام را از این خواب گران بیدار کن تا در مصالح ملت‌ها کوشش کنند و از تفرقه‌ها و سودجویی‌های شخصی دست بردارند. نسل جوان و دانشجویان دینی و دانشگاهی را توفیق عنایت فرما تا در راه اهداف مقدسه اسلام به پا خیزند و با صف واحد در راه خلاص از چنگال استعمار و عمال خبیث آن و دفاع از کشورهای اسلامی اشتراک مساعی کنند. فقها و دانشمندان را موفق بدار که در هدایت و روشن کردن افکار جامعه کوشا باشند.^۵

۱. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰.

۳. همو، الاجتهاد و التقليد، ص ۹.

۴. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۵. همو، ولایت فقیه، ص ۱۵۳.

درخور گفتن است که امام خمینی، خود آنچه را در ابواب فقه تدریس کرد، فتوا داد، یا هدایت و ارشاد کرد و آرا و انظار فقهی او به شمار می‌آمد، به نگارش درآورد و هم‌اکنون این آثار در دسترس‌اند؛ از جمله کتاب الطهاره، کتاب البیع والخیارات، المکاسب المحرمه، ولایت فقیه، تحریر الوسیله و نیز، اثر فقهی مشتمل بر فتاوی‌ای امام خمینی که به تبیین و توضیح مسائل مستحدثه پرداخته و رازگشای بُعد فقهی امام به‌طور خاص است.

۵. فراست و سیاست

امام خمینی شخصیتی است که بر بام تاریخ ایستاد و یکی از تاریخ‌سازان قرن بیستم شد. او صاحبان فکر و اندیشه و نخبگان جهان را به تأمل واداشت که بینش سیاسی و فراست اجتماعی و مدیریت انقلابی این شخصیت مذهبی و روحانی چه بود که توانست با عبور از شرایط و اقتضاهای موجود، تحولی عظیم در ایران پدید آورد. بزرگ‌ترین انقلاب سیاسی اجتماعی اسلامی را رهبری کند و به پیروزی برساند؟ نگرش سیاسی اجتماعی امام خمینی چه بود که پس از نهضت او، همه مسلمانان جهان به هویت اسلامی خود پی بردند و مسلمانی را مایه افتخار دانستند، بلکه پیروان دیگر ادیان و خداپرستان نیز به دین و دینداری و التزام دینی مباحثات کردند؟ خاستگاه فراست و سیاست امام خمینی چه بود که ملت‌های مرده، ناامید و ساکت و ساکن را بیدار ساخت و جان شیفتگان حق و عدالت را مشتعل کرد و در آنها شور و هیجان آفرید، آن‌سان که اینک در دورترین مناطق جهان آمال و آرزوهای امام، آرزوی میلیون‌ها مسلمان انقلابی شده است؟ او چگونه توانست نظام طاغوت و دستگاه شاهنشاهی را خوار و حقیر و بی‌مقدار سازد و ابهت قدرت‌های بلوک غرب و شرق را درهم شکنند و نور بیداری و خیزش را در میان مسلمانان جهان پرتو افکن سازد؟ و بالأخره، فراست و کیاست و مدیریت امام خمینی چگونه بود؟

در پاسخ پرسش‌های یادشده باید گفت امام خمینی علیه السلام هویت خود را در بندگی خدا می‌دانست و باور داشت که وظیفه شرعی حتمی دارد که دستورهای خداوند را در زندگی فردی و اجتماعی تحقق بخشد و با توجه به اینکه سیاست را از دیانت جدا نمی‌دید، اصلاح جامعه را در دانایی و آگاهی مردم می‌دانست و به این امر مهم اذعان داشت که جامعه از لحاظ دینی و سیاسی و فرهنگی باید متحول شود. از این رو، تلاش کرد تا یک تحول دینی و انقلاب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پدید آورد و ملت ایران و مسلمانان جهان را با معارف اصیل و ناب اسلام آشنا سازد،

خرافات و اندیشه‌های بی‌بنیاد و کژاندیشی‌ها را از اعتقادات و گرایش‌های آنان بزداید و با تعلیمات و هدایت‌های خود، مردم ایران و جهان را به حقیقت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک سازد و هویت ازدست‌رفته مسلمانان و شیعیان را به آنان برگرداند و به ایشان تفهیم کند که رسالت مسلمان در سراسر گیتی حفاظت و صیانت از معارف اصول دین و مذهب، تقید دینی و التزام عملی به دستورهای الهی، مبارزه با ظلم و استبداد و استعمار و حفظ وحدت اسلامی در سراسر جهان است.

فراست و سیاست امام خمینی علیه‌السلام آن بود که مبارزه مسلحانه بی‌فایده است و باید دانایی جامعه به نصاب مطلوب برسد. از این رو، با پیام‌ها، سخنرانی‌ها و هدایت‌های خود مردم را برانگیخت و بزرگ‌ترین انقلاب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را رهبری کرد و در همهٔ رخدادهای حوادث و مسائل سیاسی و اجتماعی در هر گامی خط انقلاب را با آگاهی کامل و برنامه‌ریزی دقیق و سازمان‌دهی عمیق ترسیم کرد؛ بدین‌سان که در آغاز آرا و دیدگاه‌های خود در حوزهٔ سیاست و حکومت را که الهام‌یافته و برگرفته از آیین اسلام و حکمت سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام بود، به‌درستی تبیین کرد و در این راستا به تربیت شاگردان و یاران برای ایجاد و گسترش حرکت خود پرداخت و چون توانست به اندازهٔ ضرورت و قدر نیاز یارانی تربیت کند، به هدایت جامعه همت گمارد، تا آن را به سوی اهداف الهی نزدیک سازد، فعالیت‌های امام خمینی علیه‌السلام قریب پانزده سال در زمینهٔ کارهای مقدماتی طول کشید و رفته‌رفته به یک تحول بنیادین در کشور ایران انجامید و ملت ایران طی یک دوره نه‌چندان طولانی به مرحله پیروزی رسید و پس از آن در سخت‌ترین شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی امور کشور را از مسیر بسیار دشوار توطئه‌ها، تهدیدها و محاصره‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی عبور داد و در همه این زمینه‌ها با توفیق و امداد الهی همراه بود.

گذشته از اینها، امام خمینی در طول این مدت از رسالت جهانی خود غافل نبود. از این رو، در هر فرصت، مسلمانان و شیعیان را با معارف ناب اهل بیت و وظایف سترگشان آشنا می‌ساخت، بلکه از این فراتر، همت بلند امام خمینی علیه‌السلام به این نیز محدود نشد و در بهمن ماه ۱۳۶۷ش، نامه‌ای به میخائیل گورباچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق فرستاد و قاطعانه پیش‌بینی کرد که رژیم شوروی به پایان عمر خود رسیده و صدای در هم شکستن استخوان‌هایش شنیده می‌شود. بنابراین، با توجه به لایه‌های حرکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی امام خمینی علیه‌السلام، چهرهٔ تابناک ابرمرد را مشاهده می‌کنیم که نور اندیشه‌اش سراسر تمام عالم را فراگرفته است.

در فراست و سیاست و مدیریت انقلابی امام خمینی دو نکته مهم بسیار مهم وجود داشت؛ نکته اول، پیوند سیاست و معنویت بود؛ امام خمینی چون می‌دانست ستون فقرات ملت بزرگ ایران، بلکه همه ملت‌ها، دین و دینداری است، در همه سخنرانی‌ها، پیام‌ها و حتی در نامه‌های سیاسی، از جمله به رهبر شوروی و نیز در وصیتنامه الهی سیاسی خود بر این نکته مهم تأکید کرد که مردم تشنهٔ دین، اخلاق، آزادی و عدالت‌اند و این بود که با پیام‌ها و سخنرانی‌ها و هدایت‌های او، تحولی عظیم در مردم پیدا شد و انگیزه الهی سراسر وجود آنان را فراگرفت و کار را برای خدا انجام دادند و تا بدانجا پیش رفتند که با بانگ تکبیر و توحید و همه سنگرها را از دشمن بازستاندند و در دفاع هشت‌ساله در جبهه‌های نبرد رزمندگان مسلمان سنگرهای نبرد را به مسجد تبدیل کردند و میدان جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکه الله ساختند.^۱ امام حتی در نامه خود به رهبر شوروی سابق، مشکل اساسی آن کشور را نه مسئله مالکیت، مدیریت اقتصادی و آزادی‌های فردی بلکه مشکل آنها را فقدان ایمان به خدا دانست.

نکته دوم، نقش خودسازی و مقامات بلند معنوی امام خمینی بود که از شخص او فراتر رفت و تأثیری عمیق در حوزه سیاسی بر جای نهاد، او چون به منشأ جلال و عظمت و به مقام قدس و عزت الهی بار یافته بود، توانست سفر سوم از اسفار اربعه سالکان را نیز طی کند؛ زیرا درگیر شدن امام خمینی در حوزه سیاست و رهبری انقلاب اسلامی و پیروزی‌های مدام در صحنهٔ انقلاب، دفاع مقدس و سیاست خارجی و نیز بصیرت و بینش خاص او که فراتر از زمان بود و مقاطع بسیار دورتر را می‌دید، همه و همه و ام‌دار معنویت و مقام بلند عرفانی امام بود که من الحق الی الخلق سفر کرد و از سوی حق به سمت خلق رهسپار و آنان را رهنمون شد و کلام و خواست او در ملک و ملکوت مسموع افتاد و در جان و دل مردم تأثیر گذاشت و نسیمی از جلوه الهی در سراسر کشور جلوه‌گر شد تا بدان‌سان که مردم، شهادت را فوز عظیم و امری افتخارآمیز شمردند و برای به دست آوردن آن دست از پا نشناختند و دیدیم که عرفان و سیاست و جهاد یک بار دیگر به گونه‌ای انفکاک‌ناپذیر، در ارتباط با هم دیده شدند.

۶. صلابت و قاطعیت

امام خمینی^{ره} صلابت و شجاعتی بی‌بدیل داشت؛ ایستادگی و استقامت و قاطعیت و سرسختی بی‌نهایت او در برابر ستمگری، بی‌عدالتی و حق‌کشی، بی‌هیچ‌گونه تزلزل و گذشت و سازش حتی

۱. همو، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۰.

برای یک لحظه، یا در یک مرحله از مراحل بی‌شمار انقلاب، از او قاندى بی‌باک، شجاع و مظهر مقاومت و مبارزه ساخته بود. او هیچ‌گاه ترس به خود راه نداد و اشتیاق به شهادت را در جان‌ها احیا کرد. کلام، پیام، قلم، قدم و موضع‌گیری او در برابر استبداد، استکبار و صهیونیسم، خفتگان را بیدار کرد و ماندگان را به حرکت و قیام واداشت، مظلومان را شجاع، جوانان را فداکار و پدران و مادران را مقاوم ساخت و همین امر دستگاه طاغوت و حکومت مستکبر آمریکا و دولت صهیونیستی را به وحشت انداخت. او هر روز سخت‌تر و استوارتر و قاطع‌تر شد و هرگز نگفت چون یار و یاور و عده و عده ندارم چگونه با طاغوتیان مبارزه کنم، بلکه می‌گفت: من مصمم هستم که از پای نشینم تا دستگاه فاسد پهلوی را ساقط کنم، یا در پیشگاه خدا با عذر و فود کنم.^۱ وی با قاطعیت و صلابت تمام فریاد کرد: «والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند».^۲ او فتوا داد: «اگر سکوت علمای اعلام موجب تقویت ظالم شود یا موجب تأیید او گردد، یا موجب جرئت او شود بر سایر محرمات، واجب است اظهار حق و انکار باطل، اگرچه تأثیر فعلی نداشته باشد».^۳ و نیز در پیامی چنین گفت: «تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب؛ وَلَوْ بَلَغَ مَا بَلَغَ».^۴

باری، امام خمینی صلابت و شجاعتی داشت که سخن، پیام و قلم و قدم او را پولادین ساخت. مسئله‌ای که هرگز از دیگران ساخته نبود، بلکه خواندن پیام و اعلامیه او برای دیگران رعب‌آور بود؛ اما او خود در هر مقطعی که صحنه‌های ترسناک و وحشت‌زا بسیاری از افراد را ترسانده و ساکت کرده بود، با فرستادن پیام، یا سخنرانی، جان تازه‌ای در پیکره ملت ایران می‌دمید و این شد که از جان و دل پیروان و یاران خود ترس از دستگیری، زندانی شدن، محروم گشتن، تبعید شدن و ترس از مرگ را ستاند و به جای آن استقامت و صبروری و جان‌فشانی و آرزوی شهادت را جایگزین ساخت؛ همه این امور بدان سبب بود که امام خمینی به الطاف الهی اعتماد داشت و توکلش مثال‌زدنی بود.

۷. سبک زندگی

سبک زندگی و سلوک عملی امام خمینی علیه السلام درخشش دیگر اوست، وی عمری را با بندگی و دلدادگی به خداوند و با عزت و کرامت و با پارسایی، زهد و وارستگی، ساده‌زیستی، مناعت طبع،

۲. همو، صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۰.

۴. همو، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱. همو، صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. همو، رساله توضیح المسائل، ص ۴۵۱.

قناعت، تواضع و فروتنی و نظم و استواری زندگی کرد و هرگز در اندیشه مال و منال و مقام و شهرت نبود و به دنیا و عناوین اجتماعی دل نبست و با اینکه از مقام مرجعیت، سیادت، قیادت و رهبری بهره‌دار بود. به این امور ذره‌ای اعتنا نداشت و در اوج ریاست و قدرت، همچون فقیری تهیدست زندگی می‌کرد و پیوسته بر ساده‌زیستی، زهد راستین، آخرت‌گرایی و مرگ‌اندیشی اصرار زیاد داشت و این سبک زندگی و سلوک عملی چیزی نبود که بر کسی پوشیده باشد، یا اینکه گاه باشد و گاه نباشد، بلکه این‌گونه سلوک خُلق و خوی او بود. ابعاد و زوایای سبک زندگی و سلوک عملی امام خمینی علیه السلام متنوع و متعدد و زمینه سخن در مورد آن بسیار گسترده است. ما در اینجا به سه نمونه مهم تربیتی بسنده می‌کنیم:

۱. عبادت: امام خمینی علیه السلام پارسای روز و پرهیزگار وارسته شب بود. او در عین اینکه لرزه بر اندام جباران انداخت و منافع ستمکاران را در سراسر جهان تهدید کرد و الگوی جهانی نوینی درافکند، اما بندگی و عبودیت تام و دلدادگی مدام، سراسر وجودش را فراگرفته بود؛ شب‌زنده‌داری، خلوت عارفانه، اشک‌ریزی، تهجد، نماز شب، مراقبت کامل بر نوافل، ذکر و فکر و ابتهال و تضرع و دعا و نیایش و انس با قرآن کریم خُلق او شده و سرشت و ساختار وجود را ساخته بودند. وی به هنگام نماز غرق در عز و جلال الهی بود، شاید بتوان بخشی از خلوت عارفانه او را در کتاب ارزشمند سر الصلاة و آداب الصلاة، به گونه‌ای یافت. همچنین چه بسا بتوان عمق خواسته‌های عرفانی او را در میان اشعار عرفانی‌اش جستجو کرد.

شایسته است بدانیم امام خمینی در حالی که فردی متعبد و شب‌زنده‌دار و اهل ذکر بود و مراقبت کامل بر انجام مستحبات و ترک مکروهات داشت، ولی از تظاهر به قدس و تقوا در انظار مردم، فوق‌العاده بیزار بود؛ در طول عمرش دیده نشد که در انظار مردم تسبیح به دست گیرد و ذکر بگوید.^۱ ما می‌توانیم راه و رسم بندگی خداوند سبحان را با استفاده از سیره عبادی امام خمینی علیه السلام که در میان همگنان خود بی‌نظیر بوده، بیاموزیم. آیت‌الله سیدمصطفی خوانساری نقل می‌کند که در زمستان یک سالی در قم برف زیادی آمده بود و هوا بسیار سرد بود در آن موقعیت، امام خمینی ساعاتی قبل از طلوع فجر از مدرسه دارالشفاء می‌آمد، مدرسه فیضیه و به هر زحمتی بود یخ حوض را می‌شکست و وضو می‌گرفت و در مدرس مدرسه در تاریکی مشغول تهجد می‌شد. حال او در آن نماز و نیایش چه بود، نمی‌توانم بازگو کنم عبادت او تا صبح طول می‌کشید.

۱. امام خمینی، در چشم‌انداز یاران، ص ۱۲۷.

آنگاه موقع اذان به حرم حضرت معصومه می آمد، نماز صبح را به امامت آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی اقامه می کرد و سپس برمی گشت مشغول مطالعات و مباحثاتش می شد. می توانم بگویم ایشان در میان هم نوعانش در امر عبادت، اگر بی نظیر نبود یقیناً کم نظیر بود.^۱

۲. صداقت و صمیمیت: امام خمینی علیه السلام رهبری صادق، پاک باخته، باعاطفه و صمیمی و باصفا بود و با مردم عاشقانه سخن می گفت و رفتار می کرد و در برابر سختی ها و مشکلات مردم سخت متأثر می شد و با تمام وجود برای حل آنها اقدام می کرد و همین صداقت بود که ارادت و تسلیم و عشق مردم را در پی داشت و بر پای دستورهای او سر اطاعت داشتند و در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس عاشقانه فرزندان خود را به فرمان او به مسلخ عشق می بردند و به دستور پیرو مراد خود، قربانی می کردند و حسرتشان این بود که چرا فرزندان و امکانات بیشتری نداشتند تا بیشتر نثار او کنند.

امام خمینی علیه السلام در مواجهه با مردم هرگز از خود نگفت و سیاست بازانه رفتار نکرد، او همواره به مردم می اندیشید و مکرر اظهار می داشت امید ما از اول به ملت و جوانان برومند ملت بود، اینها بودند که نهضت را بدین جا رساندند و می توانند آن را به پیش ببرند.^۲ او می گفت: موی یک کوخ نشین بر همه کاخ نشینان برتری دارد^۳ و به مدیران و کارگزاران کشور می گفت: هر وقت دیدید دوست دارید به مردم زور بگویید و یا اینکه مردم پیش شما خاضع باشند، این نشانه شیطان است.^۴ امام با مردم چنان صادق بود که مردم هیچ گاه احساس نکردند در وجود و افکار او چیزی باشد که مردم از آن بی اطلاع باشند، بالاترین تهدید امام به مسئولان این بود که اگر درست عمل نکنید من شما را به مردم معرفی می کنم؛ معنای این سخن، باور داشتن مردم بود.

در تقید امام خمینی علیه السلام نسبت به مسائل اخلاقی تربیتی این امر برای همگان مشهود بود که اگر شخصی در مجلسی سخنی می گفت که از آن بوی بدگویی به مشام می رسید، با رنجش شدید وی روبه رو می شد و از ادامه سخن آن شخص جلوگیری می کرد، امام خمینی علیه السلام چنانچه برای درس یا رفتن به حرم از خانه بیرون می آمد، تنها حرکت می کرد و چنانچه در میان راه شاگردی از ایشان سؤالی داشت، می ایستاد پاسخ می داد و سپس می گفت شما بفرمایید و

۱. همان، ص ۱۴.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۶۹.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۴۶۰.

بار دیگر تنها به راه خود ادامه می‌داد و اجازه نمی‌داد کسی پشت سرش راه بیفتد.^۱ وی حقوق تک تک افراد را دقیق رعایت می‌کرد؛ موقع خروج از هر مجلسی کاملاً مواظب بود روی کفش دیگران پا نگذارد؛^۲

۳. کیاست و روشن بینی: نوع رفتار و مواجهه امام خمینی علیه السلام با امور مربوط به دین، جامعه، خانواده، خودی، بیگانه و... درخور دقت و بررسی است؛ زیرا وی خردمندی با فراست و کیاست و رفتار و گفتارش حساب شده و قدرت تسلطش بر نفس خود بی نظیر بود، از یک سو عواطف پاک و بسیار زیبا و ابراز مهر و محبت با کلمات دلنشین به همسر، فرزندان، خویشان، دوستان و آزاد گذاردن همسر و فرزندان در رعایت حجاب اسلامی و آراستگی‌های ظاهری و پوشش‌ها و امور فردی و خانوادگی^۳ و نیز ابراز محبت به همه مردم به ویژه فقیران و تهیدستان و دلسوزی برای آنان^۴ در برابر سختگیری نسبت به هزینه کردن و جوه شرعی و بیت‌المال به ویژه در مورد زندگی خودش و چنان که می‌دانیم منزل امام در نجف اشرف فاقد تلفن و یخچال بود و اجازه فراهم کردن آن را نمی‌داد.^۵ همچنین سختگیری وی نسبت به حفظ حیثیت اسلام، حفظ حرمت پیشوایان دین و نظام اسلامی و اینکه باید به مقررات و قوانین اسلامی عمل شود و هیچ تساهل و تسامحی را اجازه نمی‌داد و سخت و قاطع موضع می‌گرفت. برای نمونه، در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در برابر مخالفان لایحه قصاص که گروه‌هایی دعوت به راهپیمایی کرده بودند، آن‌سان اخطار کرد و هشدار داد که برای هیچ‌کس از مخالفان یارای مقاومت نماند و همه سرافکننده شدند، کلمات امام این بود، راهپیمایی در مقابل اسلام، در مقابل صریح قرآن، در مقابل حکم ضروری اسلام، لایحه قصاص را غیر انسانی دانستید؛ جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است.^۶

همچنین درباره حکم اعدام سلمان رشدی که با بی‌شرمی به ساحت مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توهین و هجو کرده بود، امام خمینی این‌گونه حکم داد: «مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن

۱. همو، در چشم‌انداز یاران، ص ۲۵۱.

۲. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰، ۲ و ۴۳۷ (نامه به همسر) و نیز ص ۲۰۳ و ۴۳۶ (نامه به برادر).

۴. همان، ج ۳، ص ۳۲۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۱، ۲۱۵، ۲۳۲، ۲۷۴ و ۲۹۵.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۴۴۸-۴۶۵.

محکوم به اعدام می‌باشند»^۱ و نیز مواردی نظیر حمایت جدی از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و مبارزه با غرب‌گرایی، تحجر، تجدد و لابی‌گری و...

نکته بسیار مهمی که در این میان درخور دقت است، تقید دینی امام خمینی بود که با همه وجود در محدوده شریعت ناب محمدی می‌اندیشید و خود را ملتزم می‌دید که احکام الهی و دستورهای خداوند را آن‌گونه که هست (نه بیش و نه کم) در زندگی فردی و اجتماعی خود تحقق بخشد و مردم را با دستورهای الهی آشنا سازد و آنان را ملتزم به دین بار آورد. روشن‌بینی امام تا بدانجا بود که هرگز رسوبات تحجر و تجدید ذره‌ای در او تأثیرگذار نبود و هر گاه چیزی را به عنوان وظیفه شرعی تشخیص می‌داد، امکان نداشت در برابر آن کوتاهی کند، حتی اگر طرف مقابل کسی بود که بسیار او را دوست می‌داشت!

ب) آثار علمی

یکی از توانمندی‌های امام خمینی علیه السلام اهل قلم بودن وی بود و میراث علمی فراوانی از خود بر جای گذاشت. آثار علمی وی در سه دسته قابل تقسیم است؛ تألیفات و مکتوبات، تقریرات درس‌ها و سخنرانی‌ها. در این نوشتار ما در پی بررسی آن دسته از آثار امام خمینی هستیم که به تربیت، اخلاق و عرفان اختصاص دارند. اما به موجب اینکه در کتاب‌های فقهی، اصول فقه، تفسیر، حدیث، فلسفه، سیاست و حکومت خود نیز به مسائل اخلاقی تربیتی پرداخته است، فهرستی از آثار او را یادآور می‌شویم:

۱. شرح دعای سحر؛ امام خمینی در سال ۱۳۰۷ ش، شرح مفصلی بر دعای سحر امام باقر علیه السلام، دعایی که مشهور به دعای مباحله و مشتمل بر اسماء و صفات حسنی الهی است نگاشته است، در آن زمان معظم‌له ۲۷ سال داشته است البته با توجه به اینکه در این کتاب از آثاری چون اسفار، فصوص، فتوحات، تأویلات، شرح اسماء الحسنی و... نام می‌برد و به آنها استناد می‌کند معلوم می‌شود در آن زمان در زمینه فلسفه و عرفان کار جدی داشته است.

۲. التعلیقة علی الفوائد الرضویة: این اثر، تعلیقه و شرح ارزنده‌ای است که امام خمینی بر کتاب الفوائد الرضویة، اثر قاضی سعید قمی نگاشته است. چنان که می‌دانیم امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب مختلف مناظره‌ای بسیار مهم داشت. در آن مناظره رأس الجالوت رئیس علمای یهود از امام رضا علیه السلام پرسش‌هایی کرد و پاسخ‌هایی بسیار درخور دقت شنید. قاضی سعید قمی

- این حدیث را که معروف به حدیث رأس الجالوت شده شرح کرده است. امام خمینی دیدگاه‌های خود را بر این کتاب در سال ۱۳۰۸ ش، نوشته است.
۳. **مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة**: این اثر عرفانی گران‌قدر از آثار نفیس و فاخر در مبحث نبوت و ولایت و حقیقت باطنی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در سال ۱۳۰۹ ش، نوشته شده است.
۴. **تعلیقات علی شرح فصوص و مصباح الانس**: در این اثر پرمایه دیدگاه‌های امام خمینی در عرفان نظری بیان شده‌اند و در جای جای آن با ابن عربی و ابن حمزه فناری هم‌آوردی می‌کند، بلکه در پاره‌ای از موارد به درستی بر شانه‌های ابن عربی ایستاده است. این اثر سترگ در سال ۱۳۱۵ ش، به پایان رسیده است.
۵. **شرح چهل حدیث**: این اثر جامع در اخلاق و تربیت در اصل درس‌های اخلاق امام خمینی علیه السلام بوده‌اند که مضمون‌های آن را در مدرسه فیضیه و مدرسه ملاً صادق قم برای شاگردان ایراد کرده است. همان درس‌های اخلاقی که شرکت‌کنندگان مثل استاد مطهری بسیار تحت تأثیر آن بوده‌اند. این کتاب در سال ۱۳۱۸ ش، تألیف شده است.
۶. **سر الصلاة**: نماز عارفان و معراج سالکان رازهایی را در خود دارد که بیان آنها جز از عارف واصلی چون امام خمینی میسر نیست. کتاب سر الصلاة اثری جامع در رازهای نماز است که در سال ۱۳۱۸ ش، تألیف شده است.
۷. **آداب الصلاة**: از آنجا که کتاب سر الصلاة برای خواص تدوین شد و دیگران از آن بهره نمی‌بردند، امام خمینی علیه السلام کتاب آداب الصلاة را در سال ۱۳۲۱ ش، نوشت و در اختیار عموم گذاشت. در این کتاب به تفسیر سوره‌های حمد، توحید و قدر نیز پرداخته است.
۸. **شرح حدیث جنود عقل و جهل**: این اثر گران‌سنگ در باب اخلاق، تربیت و عرفان در نوع خود بی‌نظیر است؛ زیرا مشحون از لطایف و ظرایف تربیتی و معنوی با استناد به احادیث اهل بیت عصمت و طهارت است. افزون بر اینکه شرح حدیث نورانی جنود رحمان و شیطان است و در ضمن مباحث و راهکارهایی برای اتصاف به جنود عقل و احتراز و تبری از جنود جهل مطرح شده است. این اثر در سال ۱۳۲۳ ش، نوشته شده است.
۹. **کشف اسرار**: این کتاب گرانقدر که با نگرش کلامی سیاسی در سال ۱۳۲۳ ش، نگارش یافته و به بحث امامت و ولایت فقیه پرداخته، پاسخ انحراف‌ها و اتهام‌ها و شبهه‌هایی است که

در کتاب اسرار هزارساله، در سال ۱۳۲۲ش، از سوی علی اکبر حکمی زاده علیه شیعه و روحانیت و با همسویی با رضاخان، دشمن روحانیت، انتشار یافته بود. امام خمینی علیه السلام برای نوشتن این کتاب دو ماه، همه درس های خود را تعطیل کرد؛ بنابراین، معلوم می شود وی از همان آغاز با کج اندیشی و ظلم و استبداد مبارزه کرده است و می توان گفت این کتاب برای بیدار کردن مردم و آماده سازی آنان برای انقلاب بوده است.

۱۰. **الطلب والاراده:** این اثر گران سنگ به یکی از دشوارترین مباحث فلسفی، اصولی، اخلاقی و عرفانی، یعنی مسئله طلب و اراده و جبر و اختیار پرداخته و موشکافانه ارتباط آن را با سعادت و شقاوت بیان کرده است. این اثر در سال ۱۳۳۱ش، پایان یافته است.

۱۱. **تفسیر سوره حمد:** این اثر با نگرش عرفانی تربیتی مجموعه ای است از آنچه امام خمینی علیه السلام در مورد تفسیر سوره حمد در کتاب سر الصلاة، آداب الصلاة و نیز پنج جلسه درس تفسیر وی که در سال ۱۳۵۸ش، از صدا و سیما پخش شد، و نیز فرازهای پراکنده ای است که در مورد این سوره در آثار دیگر وی وجود دارند.

۱۲. **جهاد اکبر یا مبارزه با نفس:** این اثر تقریر سخنرانی های اخلاقی تربیتی امام خمینی با موضوع مبارزه با نفس و جهاد اکبر است که در نجف اشرف برای طلاب و فضلا ایراد شده است.

۱۳. **المکاسب المحرمه:** این اثر دو جلدی با گرایش فقهی درباره مشاغل و کسب های حرام و نامشروع در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ش، نگارش یافته است. در این اثر درباره مشاغل هنری چون نقاشی، مجسمه سازی، غنا نکات درخوری بیان شده اند.

۱۴. **کتاب البیع:** یکی از مهم ترین آثار امام خمینی علیه السلام در فقه استدلالی بحث معاملات است که با عنوان کتاب البیع، در پنج جلد در فاصله سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ش، در نجف اشرف نوشته شد و در همان جا به چاپ رسید. در جلد دوم این کتاب مباحث ولایت فقیه و شئون و اختیارات ولی فقیه طرح شده است و به مناسبت درباره سیاست در احکام اسلامی، لزوم حکومت اسلامی به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت فراگیر و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم بحث های بدیعی مطرح کرده است.

۱۵. **مناهج الوصول الی علم الاصول:** این اثر گران سنگ که در زمینه علم اصول فقه است و مشتمل بر نوآوری ها و نظریه پردازی های دقیق است در سال ۱۳۳۳ش، نوشته شده است. در این کتاب امام خمینی علیه السلام از وضع الفاظ برای ذات معانی، زبان دین، اجزا و مباحث درخور دقت دیگر رازهایی گشوده است.

۱۶. *انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه*: آرا و انظار دقیق امام خمینی نسبت به کتاب *کفایة الاصول* ملاً محمد کاظم خراسانی با نام *انوار الهدایه* در دو جلد انتشار یافته است. در این اثر عمیق مباحث اصولی به صورت ریشه‌ای بحث شده‌اند. خوب است بدانیم در پاره‌ای از موارد امام خمینی گذری از مباحث اصولی به مسائل تربیتی داشته است مثل بحث از راز و رمز تفاوت انسان‌ها و...
۱۷. *تهذیب الاصول*: این اثر، تقریر درس خارج اصول فقه امام خمینی علیه السلام است که به قلم آیت‌الله جعفر سبحانی نگارش یافته است. این کتاب در سه جلد مشتمل بر نوآوری‌های اصولی است، از جمله اینکه خطابات شارع خطابات شخصی نیستند، بلکه خطباتی قانونی‌اند و...
۱۸. *الرسائل*: این اثر مشتمل بر رساله *لاضرر*، رساله *استصحاب*، رساله *تعادل و تراجیح* و رساله *اجتهاد و تقلید و تقیه* است که همه اینها به قلم امام خمینی نوشته شده و در سال ۱۳۸۵ در یک اثر همه به چاپ و نشر رسیده است.
۱۹. *حکومت اسلامی و یا ولایت فقیه*: این کتاب مجموعه سیزده درس از امام خمینی علیه السلام در موضوع ولایت فقیه است که در نجف اشرف برای طلاب و فضلا بیان شده است. در این کتاب از توانمند بودن دین نسبت به اداره جامعه در عصر تمدن و فرهنگ و صنعت، از انفکاک ناپذیری دین از سیاست، از ضرورت حکومت دینی و اثبات ولایت فقیه و از وظایف فقها و علما دین بحث شده است.
۲۰. *تحریر الوسیله*: امام خمینی بر کتاب *وسیله النجاة* آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی حاشیه دارد، وقتی امام خمینی به ترکیه تبعید شد، تصمیم گرفت آن حواشی را در متن مستقل مطرح سازد و مسائل مستحدثه را نیز به آن بیفزاید. این کار فقهی بسیار ارزنده که مشتمل بر مباحث متنوع فقهی از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حکومت و ولایت فقیهان، بیمه، سفته، رادیو و تلویزیون و... در دو جلد انتشار یافته است.
۲۱. *توضیح المسائل*: انظار و آرای فقهی امام خمینی در کتاب *توضیح المسائل* مندرج است. ویژگی این اثر آن است که مباحث اجتماعی نظیر امر به معروف و نهی از منکر و مسائل مستحدثه مورد ابتلاء، مثل مسائل بانکی، دفاع، بیمه، امر به معروف و نهی از منکر و... را دربر دارد.
۲۲. *دیوان شعر*: امام خمینی علیه السلام دارای طبع لطیف و ذوق سلیم و توان سرایش شعر بود و از آغاز جوانی تا پایان عمر شعر می‌سرود. برخی از این اشعار پس از رحلت وی با عنوان *دیوان امام خمینی* منتشر شده‌اند.
۲۳. *صحیفه امام*: مجموعه‌ای از بیانات، پیام‌ها، نامه‌های امام خمینی علیه السلام در ۲۲ جلد با نام *صحیفه امام* گرد آمده است، در این مجموعه گرانها مباحث بسیار متنوع در زمینه‌های مختلف

اعتقادی، عبادی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و... دیده می‌شود. این مجموعه پیش از آن با نام صحیفه نور نیز انتشار یافته بود که این دو مجموعه تفاوت‌هایی با هم دارند.

۲۴. قبیان؛ این اثر به ارائه سخنان حکمت‌آموز امام خمینی علیه السلام به صورت موضوعی پرداخته است و تاکنون ۵۹ جلد آن منتشر شده است.

۲۵. وصیت‌نامه سیاسی - الهی: چکیده دیدگاه‌ها و نگرش‌های امام خمینی در مسائل مختلف در وصیت‌نامه وی بیان شده است. این نوشته ارزشمند سه ویژگی دارد، یکی اینکه نقشه راه تداوم انقلاب اسلامی و حفظ نظام جمهوری اسلامی است، دیگر اینکه دربرگیرنده نصایح و توصیه‌های ویژه برای امت اسلامی در راستای ایجاد تمدن اسلامی است و سوم اینکه دستورالعمل‌های دینی، اخلاقی و سیاسی برای هر فرد مسلمان به شمار می‌آید.

۲۶. ره عشق، باده عشق و...: برخی از نامه‌های امام خمینی پس از ارتحال وی با نام‌های مختلف از جمله ره عشق، باده عشق و... انتشار یافته است که مشتمل بر توصیه‌های اخلاقی عرفانی‌اند.